



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۵۱	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۶ / ۳۰
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم					
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»					
عنوان ۳	تفسیر آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»					
عنوان ۴	علت نامگذاری روز جزاء به «یوم الدین»					
عنوان ۵	شباهت یوم الدین با یوم دنیایی					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

با یاری خدا و استعانت از ولی امر، صاحب ما، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بحث تفسیر امسال را آغاز می‌کنیم. در گذشته درباره آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» تا حدی بحث کردیم؛ اما کامل نشد. درباره «مالک» صحبت کردیم و گفتیم که هم «مَلِک» خوانده شده و هم «مالک»، لکن به نظر می‌رسد قرائت «مالک» اولویت دارد؛ زیرا با سند معتبر روایت شده که امام صادق علیه السلام آن را به صورت «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می‌خواندند و قرائت اهل بیت علیهم السلام برای ما حجت است.

درباره تعدد قرائات هم بحث کردیم که آیا قرائات رایج، معتبرند یا خیر. گفتیم قرائت به معنای عام، معنا ندارد، مگر اینکه ثابت شود قرآن با آن قرائت، نازل شده است. اگر ثابت شود برخی آیات قرآن با نزول متعدد، نازل شده‌اند، مثلاً در یک مرتبه از نزول، به یک صورت و بار دیگر به صورتی دیگر، آن قرائت، معتبر است. این تعدد قرائت نیست؛ بلکه دو نوع وحی نازل است؛ یعنی قرآن فرضاً در رابطه با آن آیه، به دو گونه، نازل شده است.

در سوره حمد نیز تعدد نزول داریم و گفته شده که یک بار در مکه و یک بار در مدینه، نازل گردیده است و اگر ثابت شود در یک نزول به صورت «مالک» و در نزول دیگر به شکل «مَلِک» نازل شده، پذیرفته می‌گردد؛ ولی دلیلی روشن بر این نداریم و قرائت‌هایی که قاریان به سلیقه خود می‌خوانند، برای ما حجت نیست؛ مثل برخی قرائات همزه وصل به صورت همزه وصل و به عکس یا وقف در محل سکون، و سکون در محل وقف. ممکن است این قرائت‌ها غلط باشد و شکل قرائت قاری، تعیین‌کننده و حجت نیست و اگر هم کسی این قرائت‌های غیر از قرائت مشهور را به خدا نسبت دهد و بخواند، خالی از اشکال نیست: «أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۱؟ این نسبت قطعی به خدا، ثابت نیست و باید از آن پرهیز کرد.

۱. سوره اعراف: ۲۸؛ سوره یونس: ۶۸.

علت نامگذاری روز جزاء به «یوم الدین»

نکته ای که قبلاً بحث نکردیم، اما به مناسبت آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» مطرح می کنیم و به «مالک» هم مرتبط است، این است که چرا گفته شده: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»؟ وجود «یوم» و «لیل» در آخرت، مانعی ندارد؛ چون خود درباره روز جزا می فرماید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۱ و بدین معناست که قبل از این اشراق، چیزی نبوده و سپس رخ داده است؛ خود این اشراق، آغاز یوم است. پس یکی از خصوصیات یوم، وجود اشراق به نور رب است و معنایش این است که قبل از آن، ظلمتی بوده است.

یکی از مناسبت های تعبیر به «یوم» همین اشراق است که در آخر سوره زمر فرموده: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

پرسشگر: ...

معظم له: اشکالی ندارد که مقطع زمانی است؛ اما یک مقطع زمانی مسبوق به ظلمت است که از قرینه «وَأَشْرَقَتِ» به دست می آید و اشراق، نشان می دهد که قبل از آن، اشراقی نبوده و سپس رخ داده است. اگر اشراق از قبل بوده، نیازی نبوده که باز هم آن را تکرار کند. ما داریم به «وَأَشْرَقَتِ» تمسک می کنیم.

شباهت یوم الدین با یوم دنیایی

می گفتیم که «یوم» به معنای وقت است؛ اما یوم در این آیه که «یوم الدین» است، در چند چیز با یوم دنیا شباهت دارد:

۱. وقتی است که آغاز و پایان دارد و اول و آخرش هم در آیات پایانی سوره زمر، ذکر شده که: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ...»^۲؛ «فَصَعِقَ» نشان می دهد که موت بر همه چیز، حاکم است و چنین موت، نوعی از ظلمت و سکون است؛ «ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» * وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... و این، وجه شبه یوم اخروی با یوم دنیوی است که آغازش با اشراق نور رب است. در اینجا «شمس» را به آن معنای رایج نفرومده؛ بلکه از «اشراق» استفاده کرده که طلوع است؛ یعنی بعد از فتره موتی که بر همه چیز، حاکم می شود و «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ...» و این اشاره به یک دوره موت است که بر این جهان، حاکم می گردد و «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» نشان می دهد که بر بخشی از جهان، حاکم است و یک استثنای نامعلوم است. ولی این بخش عظیم از جهانی که مربوط به سماوات و الارض است، دچار این حالت می گردد. شاید بعداً اشاره کنیم که سماوات و الارض، مربوط به همین عالمی است که در آن حضور داریم؛ ولی خدا می داند که ماورای آن سماوات و الارض، چیزی هست یا نه. پس «فَصَعِقَ» مربوط به «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ» است. این مرگ شامل و عامل، به همین سماوات و الارض، تعلق دارد و قبل از آن می فرماید: «... وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»^۳. این ارض و سماواتی که اخروی است نه ارض و سماء دنیوی. ارض و سماوات دنیوی، همه اش از بین می رود و یک فتره سکوت و سکون مطلق که همراه با ظلمت - به هر شکلی از آن - است، بر سراسر آسمان ها و زمین، حاکم می گردد. یوم هم از این اشراق، شروع می شود و این یک وجه اشتراک بین یوم اخروی با یوم دنیوی است و آن، اینکه یوم اخروی هم حدی دارد؛ اولش از «أَشْرَقَتِ» شروع می شود و پایش طبق آیات سوره زمر، در سخن اهل بهشت، چنین است: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

۱. سوره زمر: ۶۹.

۲. همان: ۶۸.

۳. همان: ۶۷.

الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ^۱ و درباره پایان اهل نار می فرماید: ﴿قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ^۲﴾. یوم اهل نار و اهل جنت در اینجا پایان می یابد و جهانی جدید برایشان شروع می شود. ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾. گفتیم که حمد در اینجا حمد پایانی است؛ چون هم یک حمد آغازین داریم و یک حمد پایانی. این آیات هم در اینجا به حمد پایانی، اشاره دارد.

۲. ضیاء (نور): یوم الدین، نوری است که بعد از ظلمت می آید و از این ناحیه، یوم هم که بعد از لیل است، به ایام دنیایی، شباهت دارد. در تفاسیر هم، یوم را چنین معرفی کرده اند. در «مجمع البیان» می فرماید:

«وَأَرَادَ بِالْيَوْمِ الْوَقْتَ، وَقِيلَ: أَرَادَ بِهِ امْتِدَادَ الضِّيَاءِ إِلَى أَنْ يَفْرَغَ مِنَ الْقَضَاءِ وَيَسْتَقَرَّ أَهْلُ كُلِّ دَارٍ فِيهَا»^۳.

چون ضیاء ممتد است، از آن در مقابل لیل، به «یوم» تعبیر شده است؛ لذا این دو تفسیر با هم منافاتی ندارند.

۳. یوم، همراه با «نهار» به عنوان وقت مختص حرکت، عمل و نشاط است که در مقابل سکون و سکوت، قرار دارد و قبل از این یوم - که (فصعق من فی السماوات و من فی الارض) باشد - یک سکون و سکوت برای جهان، حاکم می شود و بعد از آن سکون و سکوت مطلق، این حرکت شروع می شود: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ * وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾؛

این یوم، وقت حرکت، قیام و حساب و کتاب است و از این ناحیه هم یوم اخروی با یوم دنیوی، شباهت دارد.

به لحاظ این شباهت ها از این وقت محدود، در آیه کریمه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ از آن به «یوم» تعبیر کرده است.

ان شاء الله در جلسه بعدی، ادامه بحث را دنبال می کنیم و زودتر شروع خواهیم کرد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱. همان: ۷۴.

۲. همان: ۷۲.

۳. مجمع البیان؛ ج ۱، ص ۱۰۰.